

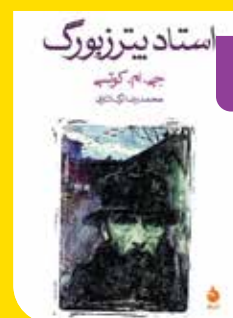
زندگی و زمانه مایکل ک



■ نویسنده:
جی.ام. کوتسیا
■ مترجم: مینو مشیری
■ ناشر: نشر نو

«زندگی و زمانه مایکل ک» نوشته جی.ام. کوتسیا نویسنده آفریقایی-هلندی و برنده جایزه بوکر و نوبل ادبیات است. «زندگی و زمانه مایکل ک» داستان پسری به نام مایکل ک است؛ پسری لب‌شکری و کم‌هوش. او وقتی بچه بود توسط مادرش به کانونی سپرده می‌شود که مخصوص بچه‌هایی مثل خودش بود؛ بچه‌هایی که هر کدام یک نقص و بدبختی داشتند. مایکل پانزده‌ساله که می‌شود...

استاد پترزبورگ



■ نویسنده:
جی.ام. کوتسی
■ مترجم:
محمدرضا ترک‌تتاری
■ ناشر: ماهی

جی.ام. کوتسی برعکس دیگر رمان‌هایش که به آفریقا و استعمار می‌پردازد، در «استاد پترزبورگ» از نویسنده شهیر روسی فیودور داستایفسکی به عنوان شخصیت اصلی رمانش بهره می‌گیرد. «استاد پترزبورگ» اثری عمیق و پیچیده است که به زندگی داستایفسکی و تاریخ روسیه می‌پردازد. این رمان جایزه بین‌المللی داستان‌های ایرلند تایمز را به دست آورده و ترجمه فارسی آن نیز ترجمه سال جایزه ابوالحسن نجفی انتخاب شد.

راه گرسنگان



■ نویسنده: بن اُکری
■ مترجم: جلال بایرام
■ ناشر: نیلوفر

«راه گرسنگان» داستان پسر بچه‌ای به نام آزارو است که طبق فرهنگ قبیله یوروبو در نیجریه، در برزخی بین زندگی و مرگ قرار دارد. زندگی‌ای که آزارو برای خودش می‌بیند و حکایتی که تعریف می‌کند، سرشار است از غم و ناراحتی. تنش موجود در دنیای زندگان با تمام خشونت‌ها و کشمکش‌های سیاسی‌اش، و وسوسه‌ی قلمرو بدون اضطراب و آرامش بخش مردگان، نیروی محرک و پیشران داستان رمان «راه گرسنگان» است.

پرتره‌ای از کشوری مستعمره

مرگ رفیق رئیس‌جمهور

روایت روزهای پراشتهاب انقلاب از زبان یک پسر بچه است

مونا آلاشتی

منتقد و مترجم

مهدی غبرایی سهم ارزنده‌ای در ترجمه آثار آفریقایی به فارسی دارد. «مرگ رفیق رئیس‌جمهور» آخرین اثری است که او از ادبیات آفریقایی ترجمه کرده تا خوانندگان فارسی‌زبان را در لذت خواندن این رمان با دیگر خوانندگان دنیا شریک کند. این رمان از مهم‌ترین رمان‌های آفریقایی است که پرتره‌ای از کشوری مستعمره (کنگو) را نشان می‌دهد.

آلن مابانکو روایت خود را با ویژگی‌های یک حماسه کوچک آغشته می‌کند و قهرمان جوان خود را در قلب داستانی ترسناک در رویارویی با سیاست و قتل، خانواده و وفاداری، دروغ‌های مصلحتی و خود اثر قرار می‌دهد.

«مرگ رفیق رئیس‌جمهور» از روز شنبه آغاز می‌شود و روز دوشنبه هفته بعد به پایان می‌رسد. یک جدول زمانی فشرده که داستانی با دامنه محدود را نشان می‌دهد. این کتاب از منظر پسر نوجوانی که امیدوار است حیوان خانگی گمشده خانواده را بیابد، مملو از حسرت‌های شخصی و مشاهدات دانه‌به‌دانه‌ای است که اغلب با اتفاقات کوچک و صمیمی همراه است. مابانکو در کمتر از ۲۵۰ صفحه، روایت خود را با ویژگی‌های یک حماسه کوچک آغشته می‌کند.

راوی داستان میشل تک‌فرزندی سیزده‌چهارده‌ساله است که در پوینت‌نویس در جمهوری کنگو زندگی می‌کند. همانطور که روایت «مرگ رفیق رئیس‌جمهور» در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۷ آغاز می‌شود، میشل مشتاق است که در وونگو، محله کارگری‌اش، به همه چیزهایی که می‌بیند، می‌شنود و وظیفه اوست که انجام دهد اشاره کند. او با مادرش پولین که در بازار میوه‌فروشی کار می‌کند و پدرش راجر، کارمند یک هتل شیک، در خانهای دواتاقه ساخته‌شده از تخته‌های اوکومه با سقفی از آهن شیاردار و پنجره‌های تخته سه‌لا زندگی می‌کند.

آذوقه روغن نخل، کره بادام‌زمینی، شراب قرمز و تنباکو در خانه کم شده

است؛ بنابراین میشل را به مغازه غیرقابل پیش‌بینی همسایه فرستادند. در آنجا هیچ قیمت مشخصی وجود ندارد و همه چیز بستگی به این دارد که آیا موبوبی را می‌شناسید یا نه. آن روز، روزی بود مثل همه روزهای دیگر که طبق معمول مجری با پر حرفی همیشگی‌اش از صدای انقلاب کنگو و دولت سوسیالیستی، با حرارت سخن می‌گفت.

گرچه والدین و معلمانش او را به خاطر اینکه یک «روپاداز» غافل است سرزنش می‌کنند - او جهان‌بینی هنرمندانه‌ای دارد و شروع به نوشتن شعر کرده، اما اغلب شعرهایش طرفدار چندانی ندارد. میشل پسری بسیار تواناست که همیشه خریدهای خانه را تمام‌وکمال و بدون معطلی انجام می‌دهد. امروز او مشتاق است تا هر چه زودتر به خانه برسد و ناهار لذیذ گوشت خوک را در کنار خانواده میل کند. اما یک‌سری اتفاقات در آن نقطه از جهان، آرامش روز معمولی او را برهم می‌زند.

ابتدا، پخش موسیقی شوروی متوقف می‌شود و از رادیو راجر، خانواده صدای مردی را می‌شنوند که از برازاویل، پایتخت، پخش می‌شود. سخنران بی‌نام کشته‌شدن «رهبر پویای انقلاب کنگو، رفیق مارین نگوایی» را اعلام می‌کند. به گفته صداوسیما، قاتلان گروهی از سرکشان هستند که در هماهنگی با امپریالیست‌های هوس‌باز عمل می‌کنند. جزئیات ترور رئیس‌جمهور دیکتاتور مبهم است، اما هیچ‌کس شک ندارد که روزهای آینده پرتلاطم خواهد بود.

این اپیزودهای اولیه با سرعتی آهسته و پیشگویی‌هایی اولیه، پایه و اساس اصلی در خلق داستانی است که مابانکو در آن به روایت رویدادهای مهم تاریخ اخیر کنگو و تحریف‌های موجود در گفتمان سیاسی و گزارش‌های خبری می‌پردازد. به کلامی دیگر می‌توان گفت خلق این اثر نشأت گرفته از سختی‌هایی است که مابانکو در زندگی شخصی‌اش تجربه کرده. مابانکو، در جمهوری کنگو به دنیا آمده و سال‌هاست که در دانشگاه UCLA ادبیات تدریس می‌کند. رمان «موسای سیاه» او - که در دهه ۱۹۷۰ در جمهوری کنگو نیز اتفاق می‌افتد - به فهرست نامزدهای بوکر بین‌المللی در

سال ۲۰۱۷ راه یافت. امروز، او در اوج نویسندگی‌اش قرار دارد.

همان‌طور که میشل و والدینش در سکوت حیرت‌زده نشسته‌اند، سگ خانواده، «امبوآ مابه» به‌نظر می‌رسد متوجه شده که اتفاق عجیبی افتاده است. میشل به ما می‌گوید: «او از خوردن دست می‌کشد، به رادیو خیره می‌شود، گوش‌هایش را تیز می‌کند، می‌چرخد و خاموش می‌شود.» امبوآ مابه در لینگالا یکی از چندین زبانی که خانواده میشل به آن صحبت می‌کنند به معنای «سگ بد» است؛ بنابراین شاید او فقط از نام خود استفاده می‌کند یا شاید او احساس می‌کند که هر چه و مرج در راه است. راجر از امبوآ مابه متنفر است، اما او را برای هوش و ذکاوت بی‌نظیرش تحسین می‌کند. در فقط چند صفحه، قبل این اتفاق، او یک داستان کمدی علیه حیوان شروع می‌کند: «او حتی از خانه محافظت نمی‌کند! به او نگاه کنید، او یک منافق است، دشمن انقلاب سوسیالیستی کنگو!» به هر دلیلی، سگ در حال فرار است - و میشل تسلی‌ناپذیر است. او می‌گوید: «من قول داده بودم از امبوآ مابه محافظت کنم.» او بخش اعظمی از رمان را صرف این خواهد کرد که مخفیانه به دنبال سگ دوست‌داشتنی خود بگردد.

اما درحقیقت این یک ماموریت خطرناک خواهد بود. پس از قتل رئیس‌جمهور مستبد، یک سرکوب قابل پیش‌بینی را آغاز می‌کند. در عرض چند ساعت، محله میشل مملو از سربازانی می‌شود که در کامیون‌های نظامی در حال گشت‌زنی هستند. ساعت ۷ بعدازظهر است و ممنوعیت رفت‌وآمد و تجمعات عمومی اعلام شده. آلفونس ماسامبا دبات، رئیس‌جمهور سابق، که توسط نگوایی در کودتای ۱۹۶۸ برکنار شد، در میان گروهی از سیاستمداران است که متهم به قتل نگوایی و درنهایت محکوم به اعدام خواهد شد.

وضعیت زمانی وخیم می‌شود که گروهی با خبری خیره‌کننده به آنجا می‌رسند: لوک عموی میشل، یک افسر نظامی مستقر در برازاویل، در یک خشونت پس از ترور کشته شده است. به دلایل مبهم، لوک در میان کسانی بوده